

گزارش ویژه از تاریخچه بزرگ‌ترین ویتترین فوتبال جهان

امپراتوری ژول ریمه



گروه گزارش: جام جهانی یک اتفاق جهانی است که هر ۴ سال یکبار سیاست را کنار ورزش می‌نشانند، رسانه را به خط می‌کشد، بازار را داغ می‌کند و میلیون‌ها نفر را درگیر یک روایت مشترک می‌کند. هیچ تورنمنتی در فوتبال اندازه جام جهانی قدرت تولید تصویر، قهرمان، جنجال و خاطره ندارد. از روزی که اروگوئه در سال ۱۹۳۰ نخستین جام را برگزار کرد تا فینال دیوانه‌وار آرژانتین و فرانسه در قطر، جام جهانی همیشه بیشتر از ۹۰ دقیقه فوتبال بوده است. این جام جایی است که اسطوره‌ها متولد می‌شوند، ملت‌ها برای چند هفته خودشان را در آینه تیم ملی می‌بینند و بازیکنان از چهره‌های ورزشی به شخصیت‌های جهانی تبدیل می‌شوند. پله، مارادونا، زیدان، رونالدو، مسی و ام‌پایه فقط ستاره نبودند؛ محصول بزرگ‌ترین صحنه فوتبال جهان بودند. اگر لیگ‌ها بازار روزمره فوتبال اند، جام جهانی نقطه انفجار آن است؛ هم‌زمان جایی که هم تاریخ نوشته می‌شود، هم حافظه جمعی ساخته می‌شود و هم جهان برای چند هفته، روی یک توپ می‌چرخد.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، جام جهانی وارد فاز تازه‌ای شد؛ فاز تجاری‌سازی بزرگ. میزبانی آمریکا در ۱۹۹۴ نقطه مهمی بود.

این تورنمنت جایی است که ورزش با رسانه، هویت، پول، تکنولوژی و حافظه جمعی به هم می‌رسند. هر دوره‌اش یک قهرمان دارد اما مهم‌تر از قهرمان، داستان‌هایی است که از دل آن بیرون می‌آید.

از یک ایده ساده تا بزرگ‌ترین نمایش فوتبال

رسانه، اقتصاد و فرهنگ جهانی اثر بگذارد. نکته مهم این است که جام جهانی از همان ابتدا یک پروژه صرفاً ورزشی نبود. حتی نخستین دوره هم حامل اعتبار ملی، نمایش قدرت میزبانی و رقابت حیثیتی کشورها بود. این ویژگی بعدها فقط بزرگ‌تر شد.

کنند. این ایده در اواخر دهه ۱۹۲۰ تصویب شد و سرانجام در سال ۱۹۳۰، نخستین جام جهانی در اروگوئه برگزار شد. آن روز شاید کمتر کسی تصور می‌کرد که این تورنمنت، چند دهه بعد به مهم‌ترین رویداد فوتبالی جهان تبدیل شود؛ رویدادی که نه فقط در ورزش، بلکه در

با محدودیت‌های آماتوری اداره می‌شد و نمی‌توانست پاسخگوی رشد فوتبال حرفه‌ای باشد. در همین فضا ژول ریمه، رئیس وقت فیفا ایده برگزاری یک تورنمنت مستقل جهانی را جلو برد؛ مسابقاتی که فقط به فوتبال تعلق داشته باشد و بهترین تیم‌های ملی دنیا را دور هم جمع

جام جهانی از دل یک نیاز روشن بیرون آمد؛ فوتبال به سرعت جهانی شده بود اما صحنه‌ای مستقل و معتبر برای رقابت تیم‌های ملی نداشت. پیش از تولد جام جهانی، مهم‌ترین مسابقات بین‌المللی فوتبال در چارچوب المپیک برگزار می‌شد. مشکل این بود که فوتبال المپیک

وقتی فوتبال زخم ملی می‌سازد

تبدیل شد به کارخانه خاطره؛ جایی که یک گل، یک اشتباه یا یک شکست می‌تواند ده‌ها در حافظه ملت‌ها بماند. بعدتر، آلمان غربی در ۱۹۵۴ با شکست مجارستان شگفتی‌ساز، یکی از معروف‌ترین قهرمانی‌های تاریخ را ثبت کرد؛ همان مسابقه‌ای که بعدها با عنوان «معجزه برن» شناخته شد. این قهرمانی برای آلمان فقط یک جام نبود؛ بخشی از بازسازی روحیه ملی پس از جنگ بود. این همان نقطه‌ای است که نشان می‌دهد جام جهانی از همان دهه‌های ابتدایی، کارکردی فراتر از ورزش پیدا کرده بود.

یکی از نقاط عطف مهم تاریخ جام جهانی، سال ۱۹۵۰ بود؛ جایی که برزیل میزبان بود و همه چیز برای جشن قهرمانی این کشور آماده به نظر می‌رسید. اما شکست تاریخی مقابل اروگوئه در ماراکانا، چیزی بیشتر از یک باخت فوتبالی بود. این مسابقه به یک زخم ملی برای برزیل تبدیل شد؛ زخمی که سال‌ها در حافظه این کشور ماند. اینجا بود که جام جهانی چهره واقعی‌تری از خودش نشان داد. این تورنمنت فقط قهرمان نمی‌سازد، شکست‌هایی می‌آفریند که گاهی از پیروزی‌ها ماندگارترند. جام جهانی از همین‌جا

جام اول؛ شروع یک وسوسه جهانی

جام جهانی، فقط برنده یک مسابقه نبود؛ صاحب عنوانی می‌شد که در حافظه جهان می‌ماند. در سال‌های بعد، جام جهانی به سرعت در حال رشد بود اما خیلی زود نشان داد از سیاست جدا نیست. جام ۱۹۳۴ در ایتالیا و جام ۱۹۳۸ در فرانسه، در فضایی برگزار شد که سایه تنش‌های سیاسی و قدرت‌نمایی دولت‌ها روی آن سنگینی می‌کرد. بعد هم جنگ جهانی دوم، دو دوره جام را تعطیل کرد. همین وقفه نشان داد فوتبال هرچقدر هم جهانی باشد، از تحولات بزرگ دنیا جدا نمی‌ماند.

اروگوئه، میزبان نخستین دوره آن زمان یکی از قدرت‌های بزرگ فوتبال بود و قهرمانی در المپیک را هم در کارنامه داشت. ۱۲ تیم در این مسابقات حاضر شدند و اروگوئه در فینال، آرژانتین را شکست داد. همان‌جا یک الگوی مهم شکل گرفت؛ فوتبال دیگر فقط بازی نبود، رقابت ملت‌ها بود. از همان دوره اول، جام جهانی دو ویژگی مهم پیدا کرد؛ اول اینکه میدان نمایش قدرت فوتبال آمریکای جنوبی و اروپا شد، دوم اینکه ارزش قهرمانی در آن خیلی زود از هر تورنمنت دیگری جلو زد. قهرمان جام

جام جهانی و ورود تلویزیون به متن بازی

دوربین‌ها بیشتر شد، گزارش‌ها حرفه‌ای‌تر شدند و روایت‌سازی پیرامون بازی‌ها گسترده‌تر شد. به این ترتیب، جام جهانی از یک مسابقه فوتبال به یک رویداد رسانه‌ای چندلایه تبدیل شد. در این دوره، تاکتیک فوتبال هم تغییر کرد. جام ۱۹۷۴ با هلند کرویف و آلمان غربی، تصویری تازه از فوتبال مدرن ارائه داد. جام ۱۹۷۸ در آرژانتین، بار دیگر رابطه فوتبال و سیاست را وسط آورد. جام ۱۹۸۲ هم از نظر فنی و روایی یکی از پربارترین دوره‌ها شد.

رشد واقعی جام جهانی، بدون تلویزیون ممکن نبود. تلویزیون این تورنمنت را از یک مسابقه ورزشی به یک تجربه جمعی جهانی تبدیل کرد. با گسترش پخش زنده، حالا میلیون‌ها نفر هم‌زمان یک بازی را می‌دیدند، درباره‌اش حرف می‌زدند و در همان لحظه شریک هیجان یا شوک می‌شدند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، جام جهانی به تدریج به مهم‌ترین محصول رسانه‌ای ورزش تبدیل شد. هر دوره، کیفیت پخش بالاتر رفت، تعداد

پله و لحظه‌ای که جام جهانی ستاره‌ساز شد

یک چهره جهانی بسازد. این روند بعداً درباره مارادونا، زیدان، رونالدو و مسی هم تکرار شد. جام ۱۹۷۰ در مکزیک، علاوه بر کیفیت فنی بالا، یک ویژگی مهم دیگر هم داشت؛ گسترش پخش تلویزیونی رنگی. یعنی جام جهانی نه فقط از نظر فنی، بلکه از نظر رسانه‌ای هم وارد یک عصر جدید شد. از اینجا به بعد، جام جهانی دیگر فقط در استادیوم‌ها برگزار نمی‌شد؛ در خانه‌ها، کافه‌ها و قلاب تلویزیون هم جریان داشت.

اگر قرار باشد یک دوره را به عنوان نقطه تبدیل جام جهانی به کارخانه اسطوره‌سازی معرفی کنیم، باید به اواخر دهه ۱۹۵۰ و ظهور پله برسیم. برزیل در ۱۹۵۸ قهرمان شد و پله جوان به مهم‌ترین ستاره آن تیم تبدیل شد. بعد هم برزیل در ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰ ادامه داد و عملاً تصویری ساخت که هنوز هم با نام فوتبال برزیلی شناخته می‌شود. پله اولین سوپرستار جهانی جام جهانی بود. پیش از آن هم ستاره وجود داشت اما جام جهانی با پله یاد گرفت که چطور از یک فوتبالیست،

جام جهانی؛ بازار بزرگ، برند بزرگ

تیم‌های بیشتر یعنی بازارهای بیشتر، مخاطبان بیشتر و پوشش گسترده‌تر. جام جهانی ۲۰۰۲ با میزبانی مشترک کره جنوبی و ژاپن، نشان داد این تورنمنت دیگر فقط در انحصار اروپا و آمریکای جنوبی نیست. آسیا هم می‌تواند میزبان مهم‌ترین صحنه فوتبال باشد. در ۲۰۰۶ آلمان یک الگوی منظم و صنعتی از میزبانی ارائه داد. در ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، جام جهانی را برای نخستین بار به قاره آفریقا برد و این یک اتفاق نمادین بزرگ بود. فوتبال حالا واقعا جهانی شده بود هم در میدان، هم در میزبانی.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، جام جهانی وارد فاز تازه‌ای شد؛ فاز تجاری‌سازی بزرگ. میزبانی آمریکا در ۱۹۹۴ نقطه مهمی بود. فیفا خیلی خوب فهمیده بود که جام جهانی فقط یک رویداد ورزشی نیست؛ یک محصول عظیم رسانه‌ای و اقتصادی است. اسپانسرها، تبلیغات، حق پخش و برندینگ، در این دوره نقش بسیار پررنگ‌تری پیدا کردند. در سال ۱۹۹۸ تعداد تیم‌ها به ۳۲ رسید و جام جهانی گسترده‌تر شد. این افزایش فقط تصمیمی فوتبالی نبود؛ تصمیمی اقتصادی و رسانه‌ای هم بود.

۱۹۸۶؛ وقتی یک نفر جام را تصاحب کرد

شود. مارادونا در این جام فقط بهترین بازیکن نبود؛ راوی اصلی داستان بود. این همان نقطه‌ای است که جام جهانی، کامل وارد عصر سوپرستارها شد. از اینجا به بعد، دیگر فقط تیم‌ها مهم نبودند؛ چهره‌ها هم به اندازه تیم‌ها وزن داشتند. رسانه‌ها یاد گرفته بودند که چگونه یک تورنمنت را از زاویه شخصیت‌ها روایت کنند. همین فرمول بعدها درباره زیدان، رونالدو، رونالدینیو، مسی و ام‌پایه تکرار شد.

در تاریخ جام جهانی، بعضی دوره‌ها با یک تیم شناخته می‌شوند، بعضی با یک لحظه، و بعضی با یک نفر. جام ۱۹۸۶ مکزیک، بی‌تردید جام دیه‌گو مارادونا بود. کمتر تورنمنتی در تاریخ فوتبال تا این حد با نام یک بازیکن گره خورده است. مارادونا در این جام هم «دست‌خدا» را ساخت، هم «گل قرن» را. هر دو در یک بازی، برابر انگلیس. همین کافی بود تا جام ۱۹۸۶ از یک تورنمنت فوتبالی به یک افسانه رسانه‌ای تبدیل

چرا جام جهانی از لیگ قهرمانان هم مهم‌تر است؟

لیگ قهرمانان اروپا هرچقدر هم مهم باشد، نمی‌تواند آن حس ملی و جمعی را بسازد که جام جهانی می‌سازد. در جام جهانی، یک کشور برای چند هفته به تیمش گره می‌خورد. خیابان‌ها، خانه‌ها، کافه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، همه به بخشی از تورنمنت تبدیل می‌شوند. این همان چیزی است که جام جهانی را از هر رویداد فوتبالی دیگری جدا می‌کند.

از نظر کیفیت فنی، خیلی‌ها معتقدند سطح باشگاهی در اروپا از فوتبال ملی بالاتر است. اما جام جهانی چیزی دارد که هیچ تورنمنت باشگاهی به آن نمی‌رسد؛ بار هویتی. در جام جهانی، بازیکن برای باشگاهش بازی نمی‌کند؛ برای پرچم کشورش بازی می‌کند. همین موضوع به هر گل، هر برد و هر حذف، معنای بزرگ‌تری می‌دهد.

از شبکه‌های اجتماعی تا VAR

قطر، اوج ترکیب فوتبال، فناوری و روایت رسانه‌ای بود. از VAR تا آفساید نیمه‌اتوماتیک، از پوشش دیجیتال تا فینال فراموش‌نشده آرژانتین و فرانسه، همه چیز در این جام در مقیاسی بزرگ‌تر دیده شد. قطر همچنین نشان داد که جام جهانی دیگر فقط زمین بازی نیست؛ بحث درباره زیرساخت، حقوق کارگران، تصویر بین‌المللی کشور میزبان و مدیریت رویداد جهانی هم به همان اندازه مهم شده است. جام جهانی در عصر جدید، فقط مسابقه نیست؛ یک پرورنده کامل رسانه‌ای است.

جام ۲۰۱۴ برزیل، ۲۰۱۸ روسیه و ۲۰۲۲ قطر را باید سه ضلع دوره جدید جام جهانی دانست. در این دوره، شبکه‌های اجتماعی، روایت مسابقات را متحول کردند. دیگر فقط تلویزیون نبود که داستان بازی‌ها را تعریف می‌کرد؛ کاربران، صفحات هواداری، ویدیوهای کوتاه و واکنش‌های لحظه‌ای هم وارد بازی شده بودند. جام ۲۰۱۴ با شکست ۷ بر ۱ برزیل مقابل آلمان، یکی از شوک‌آورترین لحظات تاریخ فوتبال را ساخت. جام ۲۰۱۸ با قهرمانی فرانسه، ورود نسل تازه‌ای از ستاره‌ها را تثبیت کرد. اما جام ۲۰۲۲

جام جهانی؛ تورنمنتی که جهان را خلاصه می‌کند

است. این تورنمنت در عین حال که قهرمان تعیین می‌کند، جهان را هم روایت می‌کند. از برزیل پله تا آرژانتین مسی، از اشک‌های ماراکانا تا جنون فینال قطر، جام جهانی بارها ثابت کرده که فقط یک مسابقه نیست؛ مهم‌ترین صحنه‌ای است که فوتبال می‌تواند خودش را در آن به دنیا نشان دهد.

جام جهانی در هر دوره، چیزی از جهان همان زمان را هم با خودش دارد. در دهه‌های قدیم، بازتاب جنگ، قدرت‌نمایی دولت‌ها و رقابت‌های ملی بود. بعدتر، بازتاب جهانی‌شدن، تلویزیون و سرمایه‌شد. امروز هم آینده‌ای از شبکه‌های اجتماعی، فناوری، مهاجرت، هویت‌های چندلایه و بازار جهانی ورزش

سخن پایانی

در آن ثابت مانده است: قدرت بی‌رقیبش در متوقف کردن جهان برای چند هفته، هنوز هیچ تورنمنتی در فوتبال نتوانسته چنین ترکیبی از هیجان، اعتبار، درام و اثرگذاری بسازد. جام جهانی بزرگ‌ترین صحنه فوتبال مانده چون هر بار بیشتر از یک جام می‌دهد، به بعضی‌ها افتخار، به بعضی‌ها زخم، به بعضی‌ها اسطوره و به همه، خاطر. همین است که هر ۴ سال یکبار دنیا دوباره منتظرش می‌ماند.

این تورنمنت جایی است که ورزش با رسانه، هویت، پول، تکنولوژی و حافظه جمعی به هم می‌رسند. هر دوره‌اش یک قهرمان دارد اما مهم‌تر از قهرمان، داستان‌هایی است که از دل آن بیرون می‌آید؛ داستان یک ملت، یک ستاره، یک شکست، یک جنجال یا یک لحظه که سال‌ها بعد هنوز درباره‌اش حرف می‌زند. از اروگوئه ۱۹۳۰ تا قطر ۲۰۲۲، جام جهانی بارها شکل عوض کرده؛ بزرگ‌تر شده، پرهزینه‌تر شده، رسانه‌ای‌تر شده و پیچیده‌تر شده اما یک چیز